



اهمیت سفرنامه های فارسی

حسین مسرت

دو باروی شهر را گفتند سه فرسنگ و نیم است. و اندرون شهر، همه آبادان. که هیچ از وی خراب ندیدم. و بازارهای بسیار و بازاری دیدم از آن صرافان که اندر او دویست مرد صراف بود. و هر بازاری را دربندی و دروازه‌ای. و همه محلته‌ها و کوچه‌ها را همچین دربندها و دروازه‌های محکم و کاروانسراهای پاکیزه بود. و کوچه‌ای بود، که آن را کوطرز می‌گفتند، و در آن کوچه پنجاه کاروانسرای نیکو، و در هر یک بیاعان و حجره داران بسیار نشست.

سفرنامه فارسی

ایران تاریخ پر فراز و نشیبی داشته و بسیار مصیبت‌ها را دیده است به غیر از بلایای طبیعی مانند سیل و زلزله، جنگهای خانمانسوزی را نیز پشت سر گذاشته که از پس آن سالیان درازی را در فقر و عسرت بسر برده است، هجوم وحشیانه قوم مغول را شاید بتوان به عنوان بزرگترین یورش تاریخی یک ملت به ملت دیگر دانست. میزان آسیب و خسارتهای مادی و معنوی که از این جنگ خانمانسوز بر سرزمین و مردم ایران وارد شده به رقم در نمی‌آید، یکی از بزرگترین این زیانها سوزانیده شدن تقریباً تمامی کتابخانه‌های ایران بدست این قوم خونریز است. دست کم چندین هزار کتاب در این آتش سوزیها طعمه حریق شده است. کتابهایی که هر کدامشان نتیجه عمرها بوده است، و از این روست که ما در حیطه زمانی پس از اسلام تا عصر صفویه تنها یک سفرنامه بر جای مانده داریم و آن هم از آن ناصر خسرو است، شاید ماندن سفرنامه او را بتوان مدیون ارزشهای علمی و شخصیتی خود ناصر خسرو دانست که از دستبرد روزگار مصون مانده است.

پس از سفرنامه ناصر خسرو، کهن‌ترین سفرنامه فارسی بر جای مانده همان سفرنامه موسی بیگ نخستین سفیر شاه عباس به هلند است و پس از آن سفرنامه محمدحسین بیگ سفیر شاه سلیمان صفوی است به سیام تحت عنوان «سفینه سلیمانی» که توسط محمد ربیع بن محمد ابراهیم نوشته شده است.

یکی از مهمترین دوره‌هایی که سفرنامه‌های فراوانی از آن بر جای مانده دوره قاجار است و این به سه جهت بوده است: نخست رشد درصد باسوادان کشور، دو دیگر باز شدن پای ایرانیان به فرنگ و سه دیگر نزدیکی زمان نگارش آن تا حال حاضر (حداکثر ۱۹۰ سال قبل) نخستین سفرنامه بر جای مانده

نویسندگانی که از روزها و ماهها و سالها صرف نظر می‌کنند، برای زندگی انسانها ارزش قابل نیستند.

«ضرب المثل ژاپنی»

در ارزش و اهمیت سفرنامه‌ها همین بس که به عنوان معتبرترین سندهای اجتماعی و تاریخی مورد استفاده کلیه پژوهندگان تاریخ اجتماعی، سیاسی و جغرافیای تاریخی قرار می‌گیرد. هنوز که هنوز است و قرن‌ها از نگارش سفرنامه ناصر خسرو می‌گذرد، از این کتاب به عنوان معتبرترین سند اجتماعی قرن پنجم که باز گوینده دقیق زندگی مردم آن دوره است یاد می‌شود، در این باره خانم دکتر مریم میر احمدی می‌نویسد:

«اهمیت همه جانبه سفرنامه‌ها از نظر تحقیقات تاریخی و جغرافیایی هنوز آن چنان که باید روشن نشده است. در حالی که در لابلای سطور این سفرنامه‌ها، بسیاری از نکات تاریخی، جغرافیایی، جامعه‌شناسی، گیاه‌شناسی، پزشکی و مسائل اقتصادی قابل تعمق یافت می‌شود. در میان کشورهای مشرق زمین سفرنامه نویسی بویژه در میان جغرافیدانان مسلمانان اعم از ایرانی و غیره از استقبال خاصی برخوردار بوده و یافته‌ها یا تجربه‌های این سیاحان به صورت کتابهایی مانند المسالک والممالک و یا رحله به یادگار مانده است.

سفرنامه نویس در نگارش سفرنامه هیچ حب و بغضی نسبت به آنچه که در درازای راه می‌بیند ندارد، چشمی دقیق است که همه چیز را با دیدی ژرف می‌بیند، در اندیشه خوشامد یا بدآمد کسی هم نیست، تنها یادداشتهایی است از سر صدق و برای دل خود، به بیان نکته‌هایی می‌پردازد که در کتابهای تاریخ نگارش یافته همان دوران نیز نیامده یا کمتر آمده است.

نگارنده سفرنامه، تصویرگری دقیق از اوضاع پیرامون خود است، وضع لباس، چند و چون ارزاق، جمعیت، خصلت‌های روحی و اخلاقی، آداب و رسوم و حتی تمیزی معابر و مکانهای عمومی.

به این نکته از سفرنامه ناصر خسرو دقیق شویم:

«به شهر اصفهان رسیدیم، از بصره تا اصفهان صد و هشتاد فرسنگ باشد، شهری است بر هامون نهاده، آب و هوایی خوش دارد. و هر جا که ده گز چاه فرو برند، آبی سرد خوش بیرون آید، و شهر دیواری حصین بلند دارد، و دروازه‌ها و جنگ‌گاهها ساخته، و بر همه بارو و کنگره ساخته و در شهر جویهای آب روان و بناهای نیکو و مرتفع، و در میان شهر مسجد آدینه بزرگ نیکو.



گزارش میراث

از دوره قاجار سفرنامه میرزا ابوطالب اصفهانی (ساکن هند) به اروپاست. تحت عنوان «مسیر طالبی»، پس از آن دو سفرنامه همزمان از میرزا صالح شیرازی با عنوان «گزارش سفر» که شرح مسافرت اوست به روسیه در سال ۱۲۲۴ هـ ق و دیگری میرزا ابوالحسن شیرازی «ایلچی» که با عنوان «حیرت نامه» موجود است. این دو نخستین پیشگامان سفرنامه نویسی در ایران عصر قاجار هستند. پس از آن دیگر با باز شدن پای ایرانیان به خارج و گسترش روابط تجاری، سیاسی و فرهنگی با اروپا عده بیشتری راهی کشورهای خارج بویژه اروپا شدند و سفرنامه‌های متعددی از خود به یادگار گذاشتند.

از بحث انگیزترین سفرنامه‌های این دوره یکی سفرنامه حاج سیاح محلاتی است و دیگری «سیاحت نامه ابراهیم بیگ» اثر حاج زین العابدین مراغه‌ای که در همان زمان پس از نگارش و چاپ مورد استقبال عامه باسوادان قرار گرفت. دیگر سفرنامه مشهور این دوره سفرنامه حاجی پیرزاده نائینی است که همه اینها به جهت داشتن اطلاعات سودمند و دست اول از منابع عمده و موثق دوره قاجار ایران به شمار می‌روند. به این نکته از سفرنامه پیرزاده دقیق شوید:

«هنگام توقف حقیر در بمبئی به قدر دوپست خانوار جمعیت از دست حکومت یزد که معدل الملک شیرازی بود فرار کرده به بمبئی آمدند و فارسیها [زردشتیان] آنها را جمع آوری نموده، جا و مکان و منزل داده هر کدام را به کاری مشغول ساخته که کار بکنند و محتاج نشوند و طایفه فارسی‌ها خانه‌ها و عمارتها و بنگله‌های خوب دارند و تجار معتبر در میان فارسی بسیار است.»

سفرنامه نویسی فارسی پیشینه‌ای به تاریخ پر فراز و نشیب ایران دارد. چون تمامی این سفرنامه‌ها به منزله یاداشتهای شخصی تلقی می‌شده عمدتاً کسی اهتمام به استنساخ از آن نمی‌کرده است، بدین روی با نبود شدن نسخه اصلی، بسیاری از اطلاعات خوب تاریخی نیز از میان می‌رفته است و هم از اینروست که متأسفانه سفرنامه‌های به جا مانده از دوران قدیم تعدادشان بسیار معدود است.

خوشبختانه با پیدا شدن صنعت چاپ، روند چاپ این گونه کتابها رو به فزونی نهاد، البته در حد چاپ سفرنامه‌های رجال دولتی و مشاهیر مانند سیف الدوله، رکن الدوله، امین الدوله، و حاج سیاح و یا سفرنامه‌هایی که به دستور حکام یا شاهان نویخته شده است همچون سفرنامه ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه.

هر کدام از این سفرنامه‌ها بسته به ذوق و استعداد و نگرش نویسنده آن دارای ارزشهایی منحصر به خود هستند. میرزا صالح شیرازی در اندیشه تحصیل علم چاپ از اروپا،

ابوالحسن خان پی مأموریت ناصرالدین شاه در فکر خوشگذرانی و زیبایی‌ها و تنی چند نیز همچون حاج سیاح با توجه دقیق به مسائل اجتماعی.

حاج سیاح در سفرنامه‌اش می‌نویسد:

«روز شنبه ۱۲۹۵ قمری - ۱۲۵۷ شمسی - ظل السلطان به حضرت عبدالعظیم رفته بود، شاه روز پنجشنبه رفت که او را مشایعت کند. واقعه موجب تأسفی رخ داد... آن طور که می‌گویند فوج اصفهان که مدتی بود در طهران، قراول و دربان دربار شاه و اعیان بوده در سرمای زمستان با آن لباس کرباس کهنه، در درها یا زیر چادر زحمت دیده بودند و با گرسنگی و زحمت به سر برده و اقوام و عیالشان پریشان و بی پرستار و چشم به راه مانده بودند. مواجب هم که از دولت رسیده بود، سرتیپ و صاحب منصب خورده و آن بیچارگان بی پول، گرفتار سرما و نان خشک بوده به تنگ آمده، هر قدر اصرار به صاحب منصب کرده... جز فحش و کتک اجری نبرده بودند.

احمدخان علاءالدوله... که واقعا من در هیچ نقطه، شخصی به این بیرحمی و حرص و شقاوت ندیده‌ام و همه او را به این صفت سختی و بیرحمی و کج خلقی می‌شناسند با سرتیپ فوج آشنا بود و خودش از رکابیان شاه بود. این فوج که از شدت زحمت و طول سفر و از اذیت صاحب منصب به تنگ آمده بودند، چند نفر از سرشناسان ایشان به امید اینکه عید است و شاه به بدرقه پسرش می‌رود و به زیارت حضرت عبدالعظیم (ع) و هر کس از بزرگ مقتدر شکایت دارد، دیگر بالاتر از شاه کیست عرض نماید، عریضه تظلم به شاه نوشته و از مشقت حال خود و سختگیری صاحب منصبان شکایت کرده... شاه در عوض اینکه مرحمت کند و به عرض ایشان رسیدگی کند امر کرد فرآشان به سر ایشان تازیانه زده از کنار راه دور کند و فرمود: نباید کسی از بزرگتر خود شکایت کند»

شمار سفرنامه‌های چاپ شده ایرانیان در مقایسه با سفرنامه‌های بیگانگان بسیار کم است نه از این رو که سفرنامه‌های ایرانی کمتر باشد، بل از این جهت که کمتر کسی اهتمام به چاپ آن دارد، کافی است که عنوان خارجی بر یک سفرنامه بخورد، هم ناشر (سرمایه گذار) و هم خریدار هر دو طالب آند، چه بسیارند از اینگونه یادداشتهای مهم که سالهاست در گنجینه کتابخانه‌های شخصی یا عمومی خاک می‌خورند و در حقیقت اسناد مهمی از تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران هستند و کسی در اندیشه چاپ آنان نیست. به عنوان نمونه بنگرید به فهرست تقریباً کامل نسخه‌های خطی فارسی جلد ششم نگارش احمد منزوی، که در بخش سفرنامه‌های آن به معرفی صدها گونه از این کتابها می‌پردازد که تنها تعداد انگشت شماری از آن چاپ شده است.